

# تحلیلی بر سیاست خارجی آقای دکتر محمود احمدی نژاد

دکتر محمدرحیم عیوضی<sup>۱</sup>

(تاریخ دریافت ۸۷/۳/۱۵ - تاریخ تصویب ۸۷/۶/۱۸)

## چکیده

رویکردهای سیاست خارجی آقای دکتر احمدی نژاد را در حوزه‌های دخیل در سیاست خارجی در زمینه‌های دولت ملی، هویت دولت جمهوری اسلامی، منافع و اهداف ملی، انقلاب اسلامی و نظام بین‌الملل اینطور می‌توان برشمرد:

دولت ملی در چارچوب ایدئولوژی و جهان بینی اسلامی - شیعی تعریف می‌گردد و نه تنها ماهیت سکولار و عرفی ندارد بلکه از سرشتی کاملاً دینی و اسلامی برخوردار است. این گفتمان از نظر سیاست اخلاقی به دولت و حکومت می‌نگرد که تأسیس یک جامعه دینی مبتنی بر اصول و ارزش‌های فرازمانی و فرامکانی شریعت اسلام در مرکز ثقل خود دارد. انقلاب اسلامی و آرمان‌ها، اصول و ارزش‌های آن یکی از مقدمات بنیادی و یکی از عناصر اساسی تعیین و تعریف کننده هویت ملی ایران است.

هویت جمهوری اسلامی ایران حاصل برآیند عنصر «هویت اسلام» «انقلاب اسلامی» و «ایران» است و این عناصر اهمیت و اولویت بیشتری نسبت به «ایرانیّت» در تکوین هویت جمهوری اسلامی ایران ایفا می‌کنند. در دوره آقای احمدی نژاد ماهیت و هویت اسلامی - انقلابی جمهوری اسلامی ایران، معنا و مدلول منافع و اهداف ملی آن را نیز تعیین و تعریف می‌کند. منافع و اهداف

۱- دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، Eivazi50670@yahoo.com

ملی هم برحسب ارزش‌ها، آرمان‌ها و اصول اسلامی و انقلاب اسلامی تعریف می‌گردد. منافع حیاتی، امنیتی و اقتصادی و همچنین منافع معطوف به نظم جهانی و ایدئولوژیک نیز در عرصه سیاست خارجی پی‌گیری می‌شود.

به علاوه انقلاب اسلامی یک انقلاب ملی و محدود نیست بلکه انقلاب اسلامی ایران ماهیت و هویت فراملی و فرامرزی دارد. انقلاب ایران بر مبنای ایدئولوژی اسلام شیعی استوار است که یک دین و جهان بینی جهانشمول و فراملی است.

در عرصه بین‌الملل انگیزه نخستین انقلاب اسلامی ایران، گسترش ارزش‌های مربوط به حاکمیت دین اسلام در جهت استقرار یک جامعه جهانی اسلامی است. از نظر گفتمان حاکم بر این دوره، نظام بین‌الملل موجود که با نظم بین‌المللی اسلامی انطباق ندارد، از مطلوبیت برخوردار نیست. نظم و نظام بین‌الملل باید به نظام جهانی اسلام تبدیل گردد.

یکی از مهم‌ترین اهداف سیاست خارجی دولت نهم، توصیف و تبیین وضع و نظم عادلانه و نظام سلطه جهانی است. از اهداف مهم دیگر دولت نهم در عرصه سیاست خارجی انتقاد نسبت به سازمان‌های بین‌المللی با هدف تغییر و دگرگونی آن برای استقرار نظم و نظام عادلانه و مطلوب اسلامی است.

**واژگان کلیدی:** سیاست خارجی، انقلاب اسلامی، گفتمان حاکم، دولت ملی، هویت دولت جمهوری اسلامی، منافع و اهداف ملی

#### مقدمه

سیاست خارجی برآیند اقتدار گرایانه تخصیص ارزش‌ها در برخورد با یکدیگر است که یک واحد سیاسی از مجموعه توانایی‌ها و قابلیت‌های جهت افزایش بهره‌وری هنجارها و معیارهای مطلوب در بعد خارجی استفاده می‌کند. بعد خارجی معمولاً می‌تواند در سه سطح ارتباط بین دولت‌ها، ملت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی بروز نماید. بررسی سیاست خارجی کشورها معمولاً با تأکید بر مؤلفه‌های متعددی انجام می‌گیرد. نخبه‌گرایان بر این اعتقاد می‌باشند که تغییر در چهره شخصیت‌های سیاسی و مقامات اجرایی هر کشور، زمینه را برای دگرگونی در رفتار سیاست خارجی و واحدهای سیاسی به وجود می‌آورد.

نگرش دیگری که در تحلیل سیاست خارجی مورد توجه قرار می‌گیرد، مبنای قالب‌های فرهنگی

و تاریخی می‌باشد. به این ترتیب، هر یک از مقامات اجرایی و کسانی که قدرت سیاسی را به دست می‌گیرند، رفتار سیاسی و جهت‌گیری سیاست خارجی خود را براساس بنیان‌های تاریخی و تمدنی پیگیری می‌کنند. در این روند، تاریخ و فرهنگ سیاسی را می‌توان به عنوان اصلی‌ترین نمادهای رفتار زمامداران دانست. براساس نگرش تاریخی فرهنگی به سیاست خارجی، هر کشوری بر مبنای بنیان‌های تاریخی خود و تجارب محیطی به رفتار سیاسی مبادرت می‌ورزد. براساس آموزه‌های ناشی از تجارب تاریخی و همچنین بنیان‌های فرهنگی که ایجاد شده است، به رفتار سیاسی و کنش‌های سیاست خارجی مبادرت می‌ورزند. در این ارتباط نخبگان سیاسی هیچ‌گونه نقش تعیین‌کننده‌ای در رفتار سیاست خارجی ندارند. آنان ناچارند تا الگوهایی را به کار گیرند که مبتنی بر «ادراک محیطی» باشد (قوم، ۱۳۸۴: ۱۲۲-۱۱۱).

براساس نگرش‌های موجود سعی می‌شود در این تحقیق جهت‌گیری سیاست خارجی آقای دکتر احمدی‌نژاد مورد بررسی قرار گیرد، و حداقل اینکه نمود این نگرش‌ها و معیارها در تعاملات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و بویژه دوره دکتر احمدی‌نژاد مورد کنکاش قرار گیرد.

### سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب و گفتمان‌های حاکم بر آن

در زمینه سیاست خارجی بایستی اذعان نمود که سیاست خارجی ایران از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در مسیری قرار گرفت که تا به امروز این مسیر، جریان اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود؛ این مسیر همان اسلام‌گرایی سیاست خارجی است. در این تحقیق برآنیم که با یک بررسی تاریخی نگاهی اجمالی به سیاست خارجی در طول دوران بعد از انقلاب داشته و گفتمان‌های جمهوری اسلامی ایران را در این رابطه مورد بررسی قرار دهیم.

در تقریباً سه دهه گذشته شاهد طرح دیدگاه‌ها و گفتمان‌های مختلفی در عرصه سیاست خارجی هستیم که هر یک در شرایط تاریخی مشخصی بر شکل‌گیری ماهیت آن تأثیر گذاشتند. در ذیل ما از شش گفتمان مسلط در عرصه سیاست خارجی در بعد از انقلاب اسلامی تاکنون یاد می‌کنیم:

۱- گفتمان ملی‌گرایی لیبرال که بین سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰ در عرصه سیاست خارجی ایران ظهور کرد.

۲- گفتمان اسلام‌گرایی که بین سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰ به صورت پادگفتمان ملی‌گرایی لیبرال در عرصه سیاست خارجی ایران ظهور نمود، سپس از سال ۱۳۶۰ تاکنون در

چارچوب خرده گفتمان‌های مختلف بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حاکم بوده است (ازغندی، ۱۳۸۵: ۱۵-۷).

۳- گفتمان آرمان‌گرایی که از زمان پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۵۷ تا خلع بنی‌صدر در تیرماه ۱۳۶۰ به صورت پادگفتمان‌های ملی‌گرایی لیبرال در عرصه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ظهور کرد و پس از این تاریخ تا اواخر ۱۳۶۳ رواج و نفوذ بیشتری پیدا نمود.

۴- گفتمان مصلحت‌گرایی اسلامی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به صورت یک خرده گفتمان در درون اسلام‌گرایی بر اساس اندیشه‌های امام خمینی (ره) شکل گرفت. این گفتمان نخست به صورت پادگفتمان آرمان‌گرایی در عرصه گفتمانی سیاست خارجی ظهور کرد، سپس از اواخر سال ۱۳۶۳ به منزلت هژمونیک نسبی رسید که تا سال ۱۳۶۸ ادامه پیدا کرد.

۵- گفتمان واقع‌گرایی اسلامی، خرده گفتمان دیگری است که درون کلان گفتمان اسلام‌گرایی شکل گرفت و در دوران موسوم به سازندگی (۱۳۷۶-۱۳۶۸) بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حاکم گشت.

۶- گفتمان ملی‌گرایی مردم‌سالار اسلامی: پس از پیروزی سیدمحمد خاتمی در هفتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران در دوم خرداد ۱۳۷۶، خرده گفتمان دیگری از درون ابرگفتمان اسلام‌گرایی جوشید که می‌توان آن را ملی‌گرایی مردم‌سالار نام نهاد (همان).

در اینجا به توضیح مختصری از هر گفتمان می‌پردازیم تا بتوان گفتمان موجود در هر دوره را بیشتر مورد ارزیابی قرار داد.

ملی‌گرایی لیبرال در چارچوب سیاست عرفی، ملی‌گرایی، دموکراسی و لیبرالیسم به مفصل‌بندی مفاهیم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و تعیین معنا و مدلول دال‌های شناور در این حوزه پرداخت. تجلی عینی این گفتمان در سیاست خارجی دولت موقت و بنی‌صدر است که به ترتیب، ابراهیم یزدی، ابوالحسن بنی‌صدر و صادق قطب‌زاده مسئولیت وزارت خارجه را بر عهده دارند. این گفتمان از یک طرف تحت تأثیر ملی‌گرایی، بر اهمیت و اولویت کشور و ملت و منافع ملی در سیاست خارجی تأکید می‌کند و از طرف دیگر از منظر رویکرد فکری لیبرالیسم به

سیاست و دولت می‌نگرد و در صدد کاهش نقش و دخالت دولت در جامعه مدنی و اصلاح فعالیت آن است. در عرصه سیاست خارجی نیز بر سیاست مسالمت‌جویانه و صلح‌طلبانه مبتنی بر هنجارها و حقوق بین‌الملل و نگاه خوش‌بینانه به سیاست بین‌الملل استوار است (سریع‌القلم<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱).

مرکز ثقل و هسته مرکزی گفتمان اسلام‌گرایی، بسط و حفظ ارزش‌ها و آرمان‌های اسلامی و انقلابی است که صیانت و پاسداری از جمهوری اسلامی ایران، مهمترین آنها محسوب می‌شود. بنابراین اسلام‌گرایی به معنای نادیده گرفتن و عدم توجه به واقعیت‌های موجود در عرصه سیاست خارجی و بین‌المللی نیست. اسلام‌گرایی بدین معناست که با توجه به ماهیت اسلامی و نظام سیاسی برخاسته از آن، اسلام مهمترین عنصر قوام‌بخش جمهوری اسلامی ایران است که نقش و کارکرد آن در حوزه‌های داخلی و خارجی را تعیین و تعریف می‌کند. جمهوری اسلامی ایران نیز رسالت جهانی و آرمان‌های فراملی اسلامی مبنی بر هدایت و سعادت کل بشر دارد. در نتیجه این کشور بر اساس ایدئولوژی‌های اسلامی، دارای سیاست خارجی متفاوت و متمایزی از دولت‌های ملی صرف می‌باشد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۷۹: ۷۲-۳۶).

گفتمان آرمان‌گرایی اسلامی، تعهد و الزام بی‌چون و چرا به اهداف و آرمان‌های والای اسلامی بدون توجه کافی به عملی بودن یا نبودن آنهاست؛ به عبارت دیگر عمل به تکلیف شرعی، قطع نظر از نتایج و پیامدهای آن. بنابراین آرمان‌گرایی تلقی کاملاً آرمانی و ایده‌آل از دولت اسلامی، انقلاب اسلامی و نظام بین‌الملل دارد. ماهیت و هویت صدرصد جمهوری اسلامی ایران به عنوان واحدی از جماهیر متحد اسلامی، ایجاب می‌کند که این دولت منافع خود را برحسب مصالح اسلامی تعریف کرده و در سیاست خارجی درصدد تحقق آنها باشد. آرمان‌گرایی همچنین با استناد به کتاب و سنت و همچنین بعضی از بیانات امام خمینی (ره)، نظم و نظام بین‌الملل موجود را نامشروع و ناعادلانه می‌دانند و تلاش برای تغییر بنیادی آن را یک تکلیف دینی و واجب شرعی می‌پندارند.

در گفتمان مصلحت‌گرایی اسلامی نیز مرکز ثقل توجه، مصلحت اسلام و نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان تنها دولت و حکومت اسلامی موجود است. مهمترین و اولین مصلحت اسلام و

مسلمین نیز حفظ موجودیت جمهوری اسلامی ایران به مثابه ام‌القری و مرکز جهان اسلام می‌باشد. بنابراین این گفتمان، مصلحت، یا به تعبیری دیگر، مرکز محور است که از آرمان‌گرایی ارزش یا امت محور متمایز می‌گردد (همان، ۹۶-۷۲).

در گفتمان واقع‌گرایی اسلامی بر مصلحت‌محوری و همچنین مفهوم موسع‌تر مصلحت و نقش گسترده عقل در تدوین و تدبیر سیاست خارجی استوار است. حضور عنصر مصلحت در سیاست خارجی موجب عقلانی شدن آن می‌گردد. بر این اساس دو اصل حکمت و مصلحت در کنار عزت، محورها و مبانی سیاست خارجی ایران قرار می‌گیرند. بنابراین واقع‌گرایی به معنای غفلت یا عدول از آرمان‌های انقلاب اسلامی و ارزش‌ها و احکام اسلامی نیست. بلکه در نظر گرفتن و توجه به ضرورت‌ها، شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی در نظام بین‌الملل موجود برای اجرای احکام اولیه شرعی و ادای تکلیف و وظیفه می‌باشد. نظریه دولت در گفتمان واقع‌گرایی هم به معنای قرائت حداکثرگرایی عقلانی از اسلام می‌باشد. این گفتمان نیز همانند مصلحت‌گرایی بر این اعتقاد است که جمهوری اسلامی باید مصالح اسلامی و منافع ملی ایران را توأمان تأمین و پیگیری کند (همان، ۱۲۵-۹۶).

رویکرد واقع‌گرایی به نظام و نظم بین‌الملل، اصلاح‌طلبانه و واقع‌بینانه است. این گفتمان نیز مانند مصلحت‌گرایی، نظم جهانی مستقر را بر حسب ضرورت و مصلحت می‌پذیرد اما تلاش می‌کند با نقد و اصلاح وضع موجود بین‌الملل به استقرار نظم و نظام مطلوب عادلانه و اسلامی به عنوان یک هدف بلندمدت و راهبردی دست یابد.

گفتمان صلح‌گرایی مردم سالار اسلامی نیز از یک طرف، استمرار و ادامه واقع‌گرایی بوده و مبتنی بر مصلحت‌اندیشی خردگرا و واقع‌بینی در سیاست خارجی می‌باشد. از سوی دیگر بر سیاست بیش از اقتصاد تأکید می‌ورزد و توسعه سیاسی را ضروری‌تر و مهم‌تر از توسعه اقتصادی می‌شمارد. عقلانیت و مصلحت‌کماکان دو اصل بنیادین صلح‌گرایی در سیاست خارجی است. صلح‌گرایی را نمی‌توان یک گسست گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قلمداد کرد. بلکه قرائتی و اساسانه از اسلام‌گرایی بر پایه الزامات دولت ملی و واقعیت‌های نظام بین‌الملل است. بر همین اساس، صلح‌گرایان همواره پایبندی و تعهد خود به آرمان‌ها و اصول اسلامی را ابراز داشته‌اند. اما روایت و قرائتی کاملاً مردم‌سالارانه از این ارزش‌ها ارائه داده‌اند.

در این تحقیق سعی می‌شود با توجه به گفتمان‌های مطرح شده در عرصه سیاست خارجی، این

گفتمان‌ها در خصوص سیاست خارجی آقای احمدی‌نژاد مورد تبیین قرار گرفته تا مشخص گردد که جهت‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره ریاست جمهوری ایشان چه سمت و سویی پیدا کرده است.

در اینجا علاوه بر تطبیق بحث گفتمان‌های مختلف با سیاست خارجی آقای احمدی‌نژاد ابتدا بحث یک بررسی قانونی انجام داده و سپس جهت‌گیری‌های سیاست خارجی آقای احمدی‌نژاد در عرصه سیاست بین‌الملل مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و در نهایت با یک مقایسه تطبیقی با دو دوره ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد و آقای خاتمی تغییر یا تحول گفتمانی در سیاست خارجی کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در زمینه سیاست خارجی اصول زیادی به صورت مستقیم و غیر مستقیم صدق می‌کند ولی ۴ اصل به طور مستقیم در قانون اساسی ایران وجود دارد که مستقیماً به سیاست خارجی ایران مربوط می‌شود:

- اصل ۱۵۲: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هر گونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است.
- اصل ۱۵۳: هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شؤون کشور گردد ممنوع است.
- اصل ۱۵۴: جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.
- اصل ۱۵۵: دولت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به کسانی که پناهندگی سیاسی بخواهند پناه دهد مگر این که بر طبق قوانین ایران خائن و تبهکار شناخته شوند (غریبی، ۱۳۸۷).

## مروری بر اصول اساسی سیاست خارجی آقای احمدی نژاد

در زمانی که هنوز آقای احمدی نژاد به عنوان رئیس جمهور انتخاب نشده بودند و در زمان تبلیغات ریاست جمهوری، ایشان برنامه اصلاح طلبانه و اصولگرایانه خود را بر مبنای مبارزه با بی عدالتی و نابرابری اجتماعی، فساد و تبعیض تدوین نمودند. این برنامه از این نظر اصلاح طلبانه تلقی می گردد که کاملاً در چارچوب و منطبق بر تعریضی است که رهبر معظم انقلاب اسلامی در اوج دوره اصلاح طلبی دوم خرداد، از اصلاحات بر مبنای مبارزه با فقر و فساد و تبعیض ارائه دادند. پیش بینی می شد که اقدامات و اولویت های آقای احمدی نژاد در عرصه سیاست خارجی و روابط دیپلماتیک به این صورت باشد:

۱- تلاش در جهت اعتمادسازی در سیاست خارجی همراه با گسترش مناسبات

مسالمت جویانه با جهان

۲- طراحی و ارائه گفتمانی در عرصه بین المللی از جمله «فرهنگی کردن سیاست» و نیز «حاکمیت اخلاق و معنویت» در مناسبات جهانی.

۳- تعامل سازنده و مطلوب دولت با منتقدان و مخالفان قانونی خود.

۴- آغاز سفرهای داخلی و خارجی رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت در راستای تحقق شعارهای انتخابات ریاست جمهوری (کاظم زاده<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷).

به طور کلی رویکردها و تحولات سیاست خارجی دولت نهم عبارتند از:

### ۱- تأکید بر احیاء نقش عدالت و معنویت در تحولات جهان

تبعیض در جامعه بین المللی خود بستر زایش کینه ورزی، جنگ و تروریسم است. جمهوری اسلامی ایران از آن جهت بر عدالت ورزی در صحنه بین المللی تأکید می کند که عدالت از حقوق برابر، توزیع صحیح منابع در قلمرو حاکمیت دولت ها، تساوی آحاد بشر در برابر قانون و احترام به قراردادهای بین المللی سخن می گوید. دولت احمدی نژاد با مبتنی ساختن پایه های رفتار سیاست خارجی بر حاکمیت معنوی و اصول اخلاقی و عادلانه در تمام مناسبات جهانی بر این باور است که عزت و کرامت تنها در سایه عدالت محقق می شود و عدالت و معنویت تنها



پایه‌های ایجاد نظم و صلح پایدار در جهان محسوب می‌شوند. نفی نظام سلطه و تأکید بر نظام بین‌المللی عاری از سلطه قدرت‌های استکباری و نفی تجاوزگری‌ها و جنایات و ظلم‌ها و تعدیات قدرت‌های بزرگ ناشی از اهتمام دولت نهم به عدالت‌محوری در عرصه سیاست خارجی است. از نظر دولت نهم عدالت‌خواهی باید مقرون به صلح‌طلبی و تهدیدزدایی به عنوان سه عنصر مهم سیاست خارجی ایران باشد تا صلح و آرامش را برای همه ملت‌ها به ارمغان آورد (متقی، ۱۳۸۴).

## ۲- توجه خاص به متوازن ساختن حق و تکلیف در عرصه سیاست بین‌الملل

تأکید سیاست خارجی دولت نهم بر این است که باید بین تکلیف، تعهدات و مسئولیت‌ها در صحنه بین‌المللی از یک سو و حقوق و اختیارات بین‌المللی ایران از سوی دیگر، توازن و تعادل برقرار باشد. به این معنی که اگر در سازمان‌های بین‌المللی مانند آژانس بین‌المللی انرژی اتمی حضور فعال داریم، این سازمان‌ها علاوه بر اینکه یک سلسله تکالیف برای ما به وجود می‌آورند، بایستی ما را از یکسری حقوق و منافع نیز بهره‌مند سازند. در این راستا، دیپلماسی هسته‌ای دولت نهم بر اعتقاد به اجرای کامل مقررات بین‌المللی، تساوی حقوق ملت‌ها، تبعیت از اراده ملی، تداوم همکاری‌های بین‌المللی در چارچوب آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، تمایل به اقدام براساس روش‌های مسالمت‌آمیز، ایجاد فضای عادلانه برای برقراری مذاکرات هسته‌ای و تأکید بر عدم عقب‌نشینی از مسیر پیشرفت و دستیابی به فناوری پیشرفته صلح‌آمیز هسته‌ای استوار است (غریبی، ۱۳۸۷).

## ۳- تأکید بر پیشرفت همه‌جانبه کشور در سیاست خارجی

آقای احمدی نژاد خواهان پیشرفت همه‌جانبه کشور در عرصه سیاست خارجی است. ایشان در این خصوص می‌گویند: «در بخش مدیریت سیاست خارجی فقط به ظاهر اکتفا نکنیم، دائماً برویم ملاقات کنیم، ما بگوییم و بخندیم و آقا خیلی خوب و ما می‌توانیم و ظرفیت‌ها خیلی بیشتر است و ... این حرف‌های کلیشه‌ای را آنها بزنند و ما بزنیم، خداحافظ شما. باید منجر به نتیجه شود؛ یعنی عملی اتفاق بیفتد. الان در زمینه‌های علمی خیلی فرصت کار مشترک با همه جای دنیا هست. دانشمندان و متفکرین ما الان برای دنیا حرف‌های جدیدی دارند. حتی در صنعت و فناوری حرف‌های زیادی برای دنیا داریم. می‌توانیم برویم و مبادله کنیم» (مصاحبه رئیس‌جمهور، ۸۷/۲/۴).

#### ۴- رویکرد سیاست خارجی تهاجمی

دولت نهم ضمن نفی انفعال در سیاست خارجی، معتقد است جمهوری اسلامی ایران باید بر پایه سه اصل «عزت، حکمت و مصلحت» دیپلماسی فعال و عزتمند را در عرصه روابط خارجی پی گیرد. لذا به منظور اتخاذ سیاست خارجی فعال و تأثیرگذار، جمهوری اسلامی ایران می‌بایست به جای آنکه در زمین خودی بازی دفاعی صورت دهد، مدبرانه توپ را در زمین حریف بیندازد؛ چرا که بازی در زمین خودی در بهترین حالت منجر به گل نخوردن از حریف خواهد شد. اما سیاست بازی در زمین حریف، علاوه بر اینکه منجر به گل نخوردن می‌شود، می‌تواند در صورت بازی صحیح و مدبرانه منجر به گل زدن به حریف شود و یا اینکه حریف را مجبور سازد که در اثر اشتباهاتی به خود گل بزند. از اینرو رهیافت مزبور بویژه در دیپلماسی هسته‌ای می‌تواند موجبات احقاق حقوق مسلم ملت ایران در دستیابی به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای را فراهم سازد. از دیگر سوی سیاست خارجی تهاجمی در قبال رژیم صهیونیستی منجر به گسترش امواج بیداری اسلامی و تجدید روحیه نیروهای مبارز فلسطینی و لبنان شده و توانسته است به نفی نظام سلطه و تشکیل جبهه ضد استکباری برای مقابله با سیاست‌های امپریالیستی امریکا کمک کند. به هر تقدیر سیاست خارجی تهاجمی می‌تواند موجبات تحقق سیاست خارجی فعال یا کنش‌مند<sup>۱</sup> به معنای بهره‌گیری از فرصت‌ها در عین تلاش برای فرصت‌سازی در عرصه بین‌المللی را فراهم آورد (دهشیری، ۱۳۸۵).

#### ۵- توجه و تأکید بیشتر بر نقش مردم و نهادهای مدنی (دیپلماسی مردم محور)

دولت نهم بر ضرورت تعامل با ملت‌های عدالت‌خواه در جهان تأکید می‌ورزد؛ چرا که علاوه بر بهره‌گیری از بسیج توده‌ها در داخل به عنوان پشتوانه سیاست خارجی، بر این باور است که تعاملات بین دولتی<sup>۲</sup> می‌تواند جمهوری اسلامی را در تحقق اهداف استقلال‌طلبانه و ضد سلطه‌گری یاری رساند. این مهم مستلزم کاربرد ادبیات جدید در روابط بین‌الملل به منظور گسترش سطح تعاملات با ملت‌ها و مخاطب قرار دادن افکار عمومی جهانی بوده است. در این

۱ - Proactive

۲ - Transnational

راستا دیپلماسی مردم محور به عنوان مبنای اعتمادسازی جهانی با حفظ اصول و ارزش‌ها و اقتدار در عرصه‌های بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است.

به کارگیری ظرفیت‌های فرهنگی، رسانه‌ای، دانشگاهی و تشکل‌های غیر دولتی در جهت توسعه و پیشبرد اهداف سیاست خارجی و نیز اهتمام به نقش ایرانیان مقیم خارج و نیز مسلمانان و نخبگان شیفته انقلاب اسلامی به عنوان سفرای فرهنگی کشور و بازیگران مؤثر در همکاری علمی، فنی و اقتصادی با جهان در این راستا قابل ارزیابی است. دولت نهم درصدد آن برآمده که بر روی افکار عمومی منطقه و جهان سرمایه‌گذاری کند چرا که ملت‌ها با سیاست‌های سلطه‌جویانه آمریکا و روش‌های توسعه‌طلبانه رژیم صهیونیستی مخالفند (همان).

### ۶- جهت‌گیری سیاست خارجی نسبت به سازمان ملل

سازمان ملل به عنوان اصلی‌ترین نهاد حفظ صلح و امنیت بین‌المللی همواره برای جمهوری اسلامی ایران از جایگاه خاصی برخوردار است، در صورتی که این سازمان کاملاً متوازن و عادلانه به امور کشورها بپردازد. آقای احمدی‌نژاد در خصوص موضوعات جدید پیش آمده و سازمان ملل چنین می‌گویند: «... من فکر می‌کنم امروز سازمان ملل مسئولیت بسیار مهمی را بر عهده دارد. یک حادثه بزرگ در حال وقوع است و آن هم طبقاتی کردن ملت‌هاست؛ ملت‌های درجه یک، دو و سه و حقوق را براساس نظام طبقاتی تقسیم کردن. این خطر بزرگی است که صلح و امنیت بین‌الملل و آینده بشریت را تهدید می‌کند. متأسفانه واژه‌های مقدسی مثل حقوق بشر و مبارزه با سلاح‌های کشتار جمعی، توسط برخی کشورها بیشتر به یک بازیچه تبدیل شده است. نقش سازمان ملل بیش از گذشته مهم است و باید با این رفتارهای دوگانه قدرتمندان برخورد کند. باید از حقوق همه ملت‌ها دفاع کرد. تمامی ساختار سازمان ملل می‌بایست با حساسیت ویژه، با ویروس مخرب یکجانبه‌گرایی مقابله نماید. همچنین امروز امنیت روانی و زیستی ملت‌ها بیش از گذشته به مخاطره افتاده است. یکجانبه‌گرایی، تولید و به کارگیری سلاح‌های کشتار جمعی، فشارهای روحی و تهدیدات و تحمیل جنگ بر ملت‌ها به بهانه ایجاد امنیت و رفاه برای برخی قدرت‌ها، عملاً مسئولیت سازمان ملل را برای استقرار شجاعانه عدالت در همه عرصه‌های جهانی دوچندان کرده است. ترکیب شورای امنیت باید از توازن منطقی و دموکراتیک برخوردار شود و در صورت پذیرش اصل عضویت دائم تعدادی از کشورها، ترکیب قابل قبولی از نمایندگان همه قاره‌ها و تمدن‌های عمده جهان به عنوان نمایندگان دائم

شرکت نمایند و در نهایت اینکه سازمان ملل باید در موقعیتی باشد که فارغ از اعمال نظرهای گزینشی میزبان، همه دولت‌ها، گروه‌ها و تشکل‌های مردمی از سراسر جهان بتوانند آزادانه به آنجا سفر کنند و بدون وا همه به گفتگو بنشینند...» (غریبی، ۱۳۸۷).

## ۷- سیاست خارجی نگاه به شرق و احیای جهت‌گیری سیاست خارجی جنوب- جنوب

دولت نهم از سیاست نگاه به شرق به عنوان راهبردی برای برقراری تعادل و توازن بین نگاه به شرق و نگاه به غرب استفاده می‌کند. به عبارت دیگر در گذشته نگاه به غرب از وزن و سنگینی بیشتری در مقایسه با نگاه به شرق برخوردار بود. حال آنکه دولت نهم خواهان برقراری روابط متوازن با شرق و غرب است. با این وجود نگاه به شرق به معنای نادیده گرفتن غرب نیست. بلکه به معنای آن است که از وزنه و توان شرق بویژه کشورهایمانند روسیه، چین، هند و حتی کشورهای آسیای جنوب شرقی که کشورهای نوصنعتی نام گرفته‌اند استفاده شود. سیاست نگاه به جنوب هم در راستای مقابله با سلطه‌گری شمال مورد توجه قرار گرفته است. منظور از کشورهای جنوب کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین است. عضویت ناظر ایران در اتحادیه آفریقا و حمایت از مبارزان مردم زیمبابوه به رهبری رابرت موگابه علیه سیاست‌های انگلستان و آمریکا و نیز حمایت از مبارزات ضد استعماری- ضد امپریالیستی کشورهای کوبا، بولیوی و ونزوئلا بیانگر نگاه راهبردی به تحولات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در عرصه بین‌الملل و استفاده از فرصت‌های بین‌الملل در راستای منافع ملی است. با توجه به اهمیت آمریکای لاتین در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و نظر به اینکه بعضی از کشورهای آمریکای لاتین مانند بولیوی، ونزوئلا و کوبا سیاست‌های ضد آمریکایی دارند، تلاش ایران برای تشکیل جبهه ضد استکبار معطوف به کشورهای مزبور شده است؛ خصوصاً اینکه این کشورها با طرحی موسوم به «آلبا» در صدد مقابله با طرح آمریکایی ایجاد تجارت آزاد موسوم به «آلکا» شده‌اند تا با گسترش نتولیرالیسم در منطقه به مقابله برخیزند. از اینرو ایران با سیاست نگاه به جنوب خواهان ایجاد جبهه ضد استکباری برای مقابله با سیاست‌های استعماری قدرت‌های شمالی و نفی نظام سلطه در جهان است (متقی، ۱۳۸۴).

### ۸- تأکید بر اولویت کیفیت روابط تا کمیت روابط و مناسبات

دولت نهم کیفیت مناسبات را بر کمیت روابط ترجیح می‌داند. به گونه‌ای که تنظیم و همپایه ساختن روابط بر توسعه مناسبات اقتصادی و سیاسی تقدم دارد. تنظیم روابط دارای چند بعد اساسی است: نخست همپایه ساختن روابط سیاسی با روابط اقتصادی به گونه‌ای که اگر کشور الف در عرصه اقتصادی ایران فعال است و منفعت خود را کسب می‌کند، باید منفعت سیاسی نیز عاید ایران کند. دوم، اولویت همکاری با کشورهای اسلامی در جهت تشکیل قطب اسلام در نظام آینده بین‌الملل و گسترش دامنه ارتباطات و تعاملات با جهان اسلام در عرصه ایجاد بازار مشترک اسلامی، بانک اسلامی، بورس اسلامی و ماهواره اسلامی و تحکیم مراودات صلح محور در فضای هلال شیعی. سوم، تقدم نگاه منطقه در روابط بین‌الملل و اولویت بخشی به روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با همسایگان با توجه به اولویت برقراری روابط استراتژیک با کشورهای همجوار برای ایجاد امنیت منطقه‌ای و چهارم توسعه هرچه بیشتر روابط با غیرمتعهدها و ملت‌های جهان سومی که نمونه توسعه روابط با غیرمتعهدها در اجلاس اخیر آنها در مرداد ۱۳۸۷ در تهران اتفاق افتاد. به گواه بسیاری از کارشناسان مسائل سیاسی و استراتژیک این بزرگترین و کامل‌ترین گردهمایی کشورهای عدم تعهد از زمان تأسیس آن تاکنون بوده است که خود نشانگر موفقیت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است (دهشیری، همان).

### ۹- اصل مهرورزی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

اصل مهرورزی از اصول اساسی سیاست خارجی دولت نهم بوده است. به گفته آقای احمدی‌نژاد «براساس اعتقادات اسلامی، ما همه بشریت را دوست داریم. ما فکر می‌کنیم که همه انسان‌ها باید همدیگر را دوست داشته باشند و عاشق هم باشند تا دنیا بتواند روی صلح و دوستی را ببیند. ما واقعاً هر جایی بر هر ملتی درد و رنجی وارد می‌شود، غصه‌دار می‌شویم و این خصلت از پیامبر عظیم‌الشان ما حضرت محمد(ص) به ما ارث رسیده است که در غم و رنج دیگران می‌سوختم. نمی‌توانیم در مقابل غم و رنج دیگران بی‌تفاوت باشیم. همه دنیا را دوست داریم. چون همه را دوست داریم با تهدید مخالفیم (کیهان، ۸۴/۱۱/۶).

## ۱۰- به چالش کشیدن هنجارهای جرم‌گونه نظام بین‌الملل

در نظام کنونی بین‌الملل برخی هنجارهای غیر قابل انکار مطرح است که به تابو و خط قرمز و حتی اسطوره تبدیل شده‌اند که نیازمند تحقیق و تفحص بیشتری است؛ چرا که بنیان مشروعیت برخی رژیم‌ها بر آن بنا نهاده شده است. از جمله این هنجارهای پذیرفته شده بین‌المللی که انکار آن طی قانون وضع شده مستوجب مجازات قلمداد می‌شود، می‌توان به هولوکاست اشاره کرد که از نظر غربی‌ها غیر قابل انکار است؛ چرا که مشروعیت رژیم صهیونیستی بر آن استوار است. تشکیک رئیس‌جمهور در مسأله هولوکاست را می‌توان با هدف شکستن تابوهای موجود در نظام بین‌المللی ارزیابی کرد. ایشان بر این اعتقاد است که به واقع اگر شش میلیون یهودی در لهستان توسط نازی‌ها در کوره‌های آدم‌سوزی و اتاقک‌های گاز کشته شده‌اند، چرا مجال تحقیق فراروی پژوهشگران برای جستجو درباره صحت و سقم و میزان کشته‌شدگان گشوده نمی‌شود؟ مضافاً آن که در صورتی که این اتفاق به واقع رخ داده باشد اگر اروپاییان مرتکب چنین جنایتی شده‌اند، چرا کشورهای خاورمیانه باید تاوان آن را پس بدهند؟ از این رو، بهتر است که خود اروپائیان نسبت به اسکان یهودیان در سرزمین خود اقدام کنند. این اقدام نوعی سیاست تجدیدنظرطلبانه محسوب می‌شود که سعی دارد علاوه بر تغییر سیاست‌ها نسبت به تعدیل و تصحیح هنجارها نیز اهتمام ورزد (دهشیری، همان).

## سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد و گفتمان اصولگرایی عدالت‌محور

بعد از بررسی ابعاد مختلف سیاست خارجی آقای احمدی‌نژاد لازم است در اینجا همان‌گونه که در ابتدای مقاله بیان کردیم از گفتمان حاکم بر این دوره هم یاد کنیم. بعد از انقلاب از گفتمان‌های متعددی در عرصه سیاست خارجی نام برده شد و در اینجا و در دوره آقای احمدی‌نژاد به نظر می‌رسد شاهد حاکم شدن گفتمانی به نام «اصولگرایی عدالت‌محور» هستیم. همان‌گونه که گفتمان‌های متعدد حاکم بر عرصه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را در ادوار مختلف رؤسای جمهور بررسی کردیم بنا به مطابقت سیاست خارجی دولت نهم و اهمیت گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور به توضیح بیشتری در خصوص این گفتمان می‌پردازیم. گفتمان اصولگرایی عدالت‌محور در اصول حاکم یا گزاره‌های فرعی و قضایای اشتقاقی از این احکام و اصول اصلی محدود می‌شود. این اصول حاکم بر حسب دال‌ها و مفاهیم سه گانه دولت-ملت ایران، انقلاب اسلامی و نظام بین‌المللی تعریف و تعیین می‌گردند (دهقانی

### الف: دولت - ملت جمهوری اسلامی ایران

سیاست خارجی یکی از وجوه و ملزومات واحد سیاسی دولت سرزمینی و دولت-ملت است. لذا چگونگی تصور و تلقی دولت در هر گفتمان نقش اساسی و زیربنایی در تعیین و تعریف سیاست خارجی دارد. از این‌رو، درک و فهم مقولات و عناصر تشکیل دهنده دولت-ملت در گفتمان اصولگرایی عدالت‌محور برای شناخت ماهیت و هویت این گفتمان ضرورت می‌یابد. به تبع آن فهم و تحلیل سیاست خارجی در گفتمان اصولگرایی بدون درک و تبیین ماهیت، هویت، منافع و اهداف و کارکرد دولت امکان‌پذیر نیست.

- **ماهیت دولت:** دولت ملی در گفتمان اصولگرایی، همانند دیگر خرده گفتمان‌های اسلام‌گرایی، در چارچوب ایدئولوژی و جهان‌بینی اسلامی-شیعی تعریف می‌گردد. بر این اساس در این گفتمان، دولت نه تنها ماهیت سکولار و عرفی ندارد بلکه از سرشتی کاملاً دینی برخوردار است. همچنین این گفتمان از نظر سیاست اخلاقی به دولت و حکومت می‌نگرد که تأسیس یک جامعه دینی مبتنی بر اصول و ارزش‌های فرازمانی و فرامکانی شریعت اسلام که سعادت دنیا و آخرت انسان‌ها را تأمین کند، در مرکز ثقل خود دارد. از این‌رو، رئیس‌جمهور احمدی‌نژاد، نه تنها تأمین سعادت و تعالی انسان در جامعه داخلی را وظیفه دولت می‌داند بلکه یکی از مهم‌ترین رسالت‌ها و مأموریت‌های سیاست خارجی آن را تعالی جوامع انسانی بر می‌شمارد. رئیس‌جمهور در سخنرانی خود در شصت و یکمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل در تاریخ ۲۹/۱۳۸۵/۶ و در نامه خود به بوش نیز بارها به این وظیفه و مسئولیت فراملی دولت اسلامی تأکید کرده است (همان: ۱۵۸-۱۵۰).

- **هویت و نقش ملی:** در گفتمان اصولگرایی، مرزهای ایدئولوژیک و عقیدتی جایگزین مرزهای جغرافیایی می‌شود و مکتب‌گرایی جای ملت‌گرایی را می‌گیرد. عنصر هویت‌سازی که «خود» و «دیگر» را تعریف می‌کند، دین مبین اسلام است. برخلاف روایت ملی‌گرایی از هویت ملی ایران که حول محور ملیت و ایرانیت شکل می‌گیرد، نقطه کانونی و مرکز ثقل روایت اصولگرایی از هویت ملی ایران «اسلامیت» است. فراتر از این، انقلاب اسلامی و آرمان‌ها، اصول و ارزش‌های آن نیز یکی از

مقدمات بنیادی و یکی از عناصر اساسی تعیین و تعریف کننده هویت ملی ایران است، به گونه‌ای که رهبر معظم انقلاب اسلامی ضمن تفکیک‌ناپذیر خواندن اصول انقلاب اسلامی از هویت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، ارزیابی مسائل مهم سیاست خارجی را از این نظر توصیه می‌کنند. تعیین‌کنندگی و تأثیرگذاری هویت ملی در سیاست خارجی از طریق تعریف و تعیین نقش‌های ملی برای جمهوری اسلامی صورت می‌گیرد. گفتمان اصولگرایی عدالت‌محور که تکوین دهنده و قوام‌بخش هویت «دولت یا حکومت عدل اسلامی» برای جمهوری اسلامی ایران است، نقش‌های ملی گوناگونی را برای آن در عرصه سیاست خارجی تعریف و تعیین می‌کند. نقش‌هایی چون «دولت عدالت‌گستر و ظلم‌ستیز»، «عامل ضد سلطه»، «استکبارستیز»، «مدافع اسلام و تشیع»، «حامی مستضعفان»، «حامی جنبش‌های آزادیبخش» و ... با این وجود، به نظر می‌رسد گفتمان اصولگرایی نقش ملی «عامل ضد استکبار و سلطه» در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را اولویت و ارجحیت می‌بخشد. به طوری که رهبر انقلاب اسلامی با صراحت بیان می‌دارند: شاخص سیاست خارجی ایران، نفی رابطه سلطه‌گر و سلطه‌پذیر و مقابله عاقلانه و هوشمندانه با نظام سلطه جهانی است (همان).

**منافع و اهداف ملی:** در چارچوب گفتمان اصولگرایی، ماهیت و هویت اسلامی - انقلابی جمهوری اسلامی ایران، معنا و مدلول منافع و اهداف ملی آن را نیز تعیین و تعریف می‌کند. از آنجا که عناصر بنیادین نظام سیاسی ایران، اسلام و به تبع آن انقلاب اسلامی هستند، منافع و اهداف ملی ایران نیز برحسب ارزش‌ها، آرمان‌ها و اصول اسلامی و انقلاب اسلامی تعریف می‌گردد؛ به طوری که بهترین و مهم‌ترین ارزش‌ها برای ملت ایران همان ارزش‌ها و آرمان‌هایی است که دین مبین اسلام مقرر می‌کند و انقلاب اسلامی نیز بر آن تأکید می‌ورزد. از آنجا که رهبر معظم انقلاب اسلامی، اصول انقلاب اسلامی را از منافع ملی جمهوری اسلامی ایران جدایی‌ناپذیر قلمداد می‌کنند، لذا جمهوری اسلامی ایران، یک دولت اسلامی برخاسته از انقلاب اسلامی و تعیین‌یافته در قلمروی سرزمینی ایران، علاوه بر تعقیب و تأمین منافع و اهداف ملت ایران، می‌بایستی مصالح اسلامی و آرمان‌های انقلاب اسلامی را نیز در سیاست خارجی



پیگیری نماید. همچنین می‌بایستی در راستای رسیدن به اهداف امنیتی و اقتصادی هم فعالانه تلاش نمود و علاوه بر این منافع و اهداف معطوف به نظم جهانی و ایدئولوژیک را نیز باید در سیاست خارجی پیگیری و تأمین کرد (همان).

### ب: انقلاب اسلامی ایران

در گفتمان اصولگرایی، انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب ملی و محدود نیست بلکه انقلاب اسلامی ایران، ماهیت و هویت فراملی و فرامرزی دارد. انقلاب فراملی برخلاف انقلاب ملی دارای ارزش‌ها و آرمان‌هایی است که فراتر از مرزهای جغرافیایی می‌رود و به یک ملت و محدوده سرزمینی ملی تعلق ندارد. بنابر گفتمان اصولگرایی، مهم‌ترین وجه ممیزه انقلاب اسلامی ایران، اسلامی بودن آن است. استلزام منطقی این روایت و قرائت این است که اولین و اساسی‌ترین علت وجودی و هدف حصولی انقلاب اسلامی، اسلام خواهی در درون و برون ایران است. در نتیجه، علت و هدف اولیه انقلاب در داخل ایران محقق ساختن آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی در چارچوب یک نظام و دولت اسلامی است. در عرصه بین‌المللی نیز انگیزه و هدف نخستین انقلاب اسلامی ایران، گسترش این ارزش‌ها در جوامع و کشورهای دیگر برای ایجاد یک جامعه جهانی اسلامی و استقرار نظم جهانی اسلام از طریق انقلاب اسلامی است. رهبر معظم انقلاب اسلامی با توجه به ماهیت و اهداف انقلاب اسلامی بیان می‌دارد: «انقلاب اسلامی برای تحقق برنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اسلام در ایران برپا شده و در عرصه روابط جهانی نیز با تکیه بر آموزه‌های اسلامی، نظام ظالمانه سلطه را رد، و صلح و امنیت و سعادت همه ملت‌ها را پیگیری می‌کند» (ایران، ۱۳۸۰/۵/۸۶).

### ج: نظم و نظام بین‌الملل

کلیه خرده گفتمان‌های اسلام‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی در زمینه عدم سازگاری و انطباق نظم و نظام بین‌الملل موجود با نوع اسلامی مطلوب آن اتفاق نظر دارند. همگی آنها در این اصل و گزاره بنیادی مشترک‌اند که نظم بین‌المللی مبتنی بر نظام دولت-ملت موجود، آن نظم جهانی مطلوب بر مبنای مرزهای عقیدتی دارالاسلام و دارالکفر نیست. بنابراین این نظم و نظام بین‌المللی موجود که با نظم بین‌المللی اسلامی انطباق ندارد، از مطلوبیت برخوردار نیست. نظم و نظام بین‌الملل دولت‌محور باید به نظام جهانی اسلام تبدیل گردد. با این

وجود، خرده گفتمان‌های اسلامی در مورد امکان‌پذیری، اولویت و چگونگی انتقال از وضع موجود به نظم مطلوب اسلامی، اختلاف نظر دارند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۷۹).

گفتمان اصولگرایی که حول محور دال متعالی «عدالت»، قوام و هویت می‌یابد و تمامی دال‌ها و مفاهیم را براساس آن معنا و تعریف می‌کند، اهمیت و اولویت ویژه‌ای برای تحقق و تأمین این هدف راهبردی انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران قائل است؛ چون نظم و نظام بین‌المللی مستقر و موجود را کاملاً ناعادلانه، نامشروع و نامطلوب می‌پندارد. نظام بین‌المللی فعلی، نمود و نماد عینی بی‌عدالتی، نابرابری، تبعیض، تسلط و سلطه است. لذا، عدالت خواهی و عدالت‌گستری ایجاب می‌کند که تغییر وضع موجود جهانی برای تأمین وضع و نظم مطلوب اسلامی در اولویت اهداف سیاست خارجی قرار گیرد. این امر به معنای پذیرفتن نظم سلطه و ناعادلانه جهانی موجود، مقابله و مبارزه، با آن و تلاش برای اصلاح و تغییر ساختاری، هنجاری و نهادی آن است؛ زیرا تحقق آرمان‌ها و اهداف بلندمدت انقلاب اسلامی مستلزم اصلاح و تغییر نظم بین‌المللی مستقر و ابعاد سه‌گانه نظام بین‌الملل معاصر است. بنابراین، مقابله با نظام سلطه، سلطه‌گران و انتقاد از سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی با هدف تغییر و دگرگونی آن برای استقرار نظم و نظام عادلانه و مطلوب اسلامی است. دولت نهم در برنامه‌های خود، یکی از اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را «تقویت استراتژی چندجانبه‌گرایی در سطح بین‌الملل و مقابله با یکجانبه‌گرایی در عرصه بین‌الملل» و «گسترش همکاری با کشورهای مستقل و غیر متعهد» اعلام می‌دارد. در قالب این راهبرد، همانگونه که وزیر امور خارجه تصریح می‌کند: «یکی از محورهای سیاست خارجی دولت نهم متنوع‌سازی روابط بین‌الملل ایران با تأکید بر مقابله منطقی با سلطه‌ جهانی و یکجانبه‌گرایی و تأمین منافع ملی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از طریق ایجاد ائتلاف در اقصی نقاط جهان است» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶).

### سیاست خارجی احمدی‌نژاد و خاتمی؛ یک بررسی مقایسه‌ای

براساس آنچه در خصوص رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بیان شد می‌توان به یک مقایسه تطبیقی بین سیاست خارجی آقای احمدی‌نژاد با سلف خود آقای خاتمی اقدام نمود. به نظر نمی‌رسد گذار از دوران خاتمی به دوران احمدی‌نژاد در برگیرنده تغییر در ماهیت و بنیان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باشد. در فاصله این دو دوره، شاهد یکسری تغییر و تحولات در عرصه سیاست خارجی هستیم که این تغییرات بیشتر شکلی است و به صورت

ماهوی باعث تغییرات اساسی در سیاست خارجی نشده است.

در دوره ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد دولت ملی بیشتر در چارچوب ایدئولوژی و جهان‌بینی اسلامی- شیعی تعریف می‌گردد. در حالی که در دوره آقای خاتمی، دولت ملی براساس برداشت حداکثری فردگرایانه از دین اسلام استوار است. آقای احمدی‌نژاد در بحث هویت ملی در عرصه سیاست خارجی بر هویت اسلام و انقلاب اسلامی تأکید بیشتری دارند در حالی که آقای خاتمی در کنار توجه به این شاخص‌ها بر «ایرانیت» و «جمهوریت» هم تأکید داشتند. در دوره آقای احمدی‌نژاد، ماهیت و هویت اسلامی- انقلابی جمهوری اسلامی ایران، معنا و مدلول منافع و اهداف ملی آن را نیز تعیین و تعریف می‌کند در حالی که در دوره آقای خاتمی منافع ملی و مصالح اسلامی با هم تعارض ذاتی ندارند و در صورت تعارض هم براساس اهمّ و مهم و اضطرار و ضرورت اقدام می‌گردد. هدف انقلاب اسلامی ایران در دوره آقای احمدی‌نژاد گسترش ارزش‌های مربوط به حاکمیت دین اسلام در جهت استقرار یک جامعه جهانی است، در حالی که در دوره آقای خاتمی صدور انقلاب به معنای ایجاد یک نظام مردم‌سالار در ایران و ارائه به جهانیان به عنوان یک سرمشق است. سیاست خارجی آقای احمدی‌نژاد نظام بین‌الملل کنونی که با نظم بین‌المللی اسلامی انطباق ندارد را، نمی‌پذیرد. در دوره آقای خاتمی هم نظام بین‌الملل مطلوب نیست اما می‌شود از طریق گفت‌وگو جهت استقرار نظام عادلانه براساس تنش‌زدایی و همزیستی مسالمت‌آمیز اقدام گردد. برای توضیح بیشتر تفاوت رویکردهای سیاست خارجی آقایان خاتمی و احمدی‌نژاد و برای سهولت مطالعه از طریق یک جدول به چارچوب اصلی بحث به صورت مختصر اما مطلوب پرداخته شده است.

رؤسای جمهور	دولت ملی	هویت دولت جمهوری اسلامی	منافع و اهداف ملی	انقلاب اسلامی	نظام بین الملل
<ul style="list-style-type: none"> <li>• در این دوره نظریه دولت بر برداشت حداکثری فردگرایانه از دین اسلام استوار است.</li> <li>• ملی‌گرایی تفسیری مردم‌سالارانه و آزادمنشانه از قانون اساسی ارائه می‌دهد.</li> <li>• در این مقطع «جمهوریت» و «اسلامیت» هموزن و همسو هستند.</li> <li>• پذیرش حاکمیت ملی در طول حاکمیت الهی است.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• در مورد هویت ملی در این دوره بایستی به تأکید بر جمهوری در کنار اسلامیت اشاره نمود. این موضوع خود متضمن افزایش نقش ملیت و ایرانیت در هویت ملی ایران است.</li> <li>• ارزش‌های ملی و دینی که متقابلاً همدیگر را قوام می‌بخشند، محور همبستگی ملت ایران است.</li> <li>• هیچ تعارض بین «ایرانیت» و «اسلامیت» نیست.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• جمهوری اسلامی ایران می‌بایست در سیاست خارجی و مصالح اسلامی و منافع ملی را در چارچوب منافع دفاعی، اقتصادی، نظم جهانی و ایدئولوژیک پی‌گیری کند.</li> <li>• مصالح اسلامی و منافع ملی باهم تعارض ذاتی ندارند و در صورت بروز تعارض باید براساس مصلحت و اهم و مهم و همچنین ضرورت و اضطرار اقدام کرد.</li> <li>• رویکرد نسبت به قدرت ملی نرم‌افزاری و سیاسی است.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• انقلاب محدود به مرزهای جغرافیایی نیست و برای آن ماهیت و هویت فراملی و اسلامی قائل است.</li> <li>• صدور انقلاب به معنای ایجاد یک نظام مردم سالار در ایران و ارائه به جهانیان به عنوان یک دولت سرمشق است. در اینجا نظریه گفتگوی تمدن‌ها بستری برای رساندن پیام انقلاب به سایر ملت‌هاست.</li> <li>• حمایت از جنبش‌های اسلامی بیشتر پشتیبانی معنوی بوده است.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• نسبت به نظام بین‌الملل دید انتقادی واقع بین، خردگرا و آرمان‌خواه وجود دارد.</li> <li>• نسبت به جایگاه ایران در نظام بین‌الملل واقع‌بینانه نگرسته می‌شود، خواهان نظامی عاری از هرگونه جنگ و سلاح‌های کشتار جمعی بوده و نسبت به مقابله با نظام بین‌الملل منطقی عمل می‌شود.</li> <li>• گفت‌وگو صلح‌گرایی وضع فعلی نظام بین‌الملل را مطلوب نمی‌داند اما سعی می‌شود از طریق گفت‌وگو جهت استقرار نظام عادلانه براساس تنش زدایی و همزیستی مسالمت‌آمیز اقدام گردد.</li> </ul>	

رؤسای جمهوری	دولت ملی	هویت دولت جمهوری اسلامی	منافع و اهداف ملی	انقلاب اسلامی	نظام بین الملل
دوره ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد	<ul style="list-style-type: none"> <li>دولت ملی در چارچوب ایدئولوژی و جهان بینی اسلامی- شیعی تعریف می گردد.</li> <li>دولت نه تنها ماهیت سکولار و عرفی ندارد بلکه از سرشتی کاملاً دینی و اسلامی برخوردار است.</li> <li>این گفتمان از نظر سیاست اخلاقی به دولت و حکومت می نگرد که تأسیس یک جامعه دینی مبتنی بر اصول و ارزش های فرازمانی و فرامکانی شریعت اسلام در مرکز نقل خود دارد.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>انقلاب اسلامی و آرمانها، اصول و ارزش های آن یکی از مقدمات بنیادی و یکی از عناصر اساسی تعیین و تعریف کننده هویت ملی ایران است.</li> <li>جمهوری اسلامی ایران حاصل برآیند عنصر «هویت اسلام» و «انقلاب اسلامی» و «ایران» است و این عناصر اهمیت و اولویت بیشتری نسبت به «ایرانیت» در تکوین هویت جمهوری اسلامی ایران ایفا می کنند.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>در این دوره ماهیت و هویت اسلامی- انقلابی جمهوری اسلامی ایران، معنا و مدلول منافع و اهداف ملی آن را نیز تعیین و تعریف می کند.</li> <li>منافع و اهداف ملی هم برحسب ارزشها، آرمانها و اصول اسلامی و انقلاب اسلامی تعریف می گردد.</li> <li>منافع حیاتی، امنیتی و اقتصادی و همچنین معطوف به نظم جهانی و ایدئولوژیک نیز در عرصه سیاست خارجی پی گیری می شود</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>انقلاب اسلامی یک انقلاب ملی و محدود نیست بلکه انقلاب اسلامی ایران ماهیت و هویت فراملی و فرامرزی دارد.</li> <li>انقلاب ایران بر مبنای ایدئولوژی اسلام شیعی استوار است که یک دین و جهان بینی فراملی است.</li> <li>در عرصه بین الملل انگیزه نخستین انقلاب اسلامی ایران، گسترش ارزش های مربوط به حاکمیت دین اسلام در جهت استقرار یک جامعه جهانی اسلامی است.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>از نظر گفتمان حاکم بر این دوره، نظام بین الملل موجود که با نظم بین المللی اسلامی انطباق ندارد، از مطلوبیت برخوردار نیست. نظم و نظام بین الملل باید به نظام جهانی اسلام تبدیل گردد.</li> <li>یکی از مهم ترین اهداف سیاست خارجی دولت نهم، توصیف و تبیین وضع و نظم عادلانه و نظام سلطه جهانی است.</li> <li>از اهداف مهم دیگر دولت نهم در عرصه سیاست خارجی انتقاد نسبت به سازمان های بین المللی با هدف تغییر و دگرگونی آن برای استقرار نظم و نظام عادلانه و مطلوب اسلامی است.</li> </ul>

## منابع

- احمدی نژاد، محمود (۱۳۸۵)، *بخشی از مصاحبه مطبوعاتی و رسانه‌ای رئیس جمهور با خبرنگاران داخلی و خارجی*، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۸۵/۲/۴.
- خامنه‌ای، آیت‌الله سید علی (۱۳۸۶)، *سخنرانی در جمع مسئولان وزارت امور خارجه*، ۸۶/۵/۳۰، روزنامه ایران، ۳۱ مرداد ۸۶.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۵)، *بررسی رویکرد سیاست خارجی دولت نهم؛ تداوم در عین تغییر*، در **همشهری دیپلماتیک**، نیمه مرداد ۱۳۸۵، شماره پنجم.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۶)، *گفتمان اصولگرایی، عدالت محور در سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد*، در *فصلنامه دانش سیاسی*، شماره ۵، بهار و تابستان.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۷۹)، *تحول گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: انتشارات روزنامه ایران.
- غربی، سعید (۱۳۸۷)، *سیاست خارجی آقای احمدی‌نژاد*، استاد مربوطه دکتر فرهاد درویش، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، سایت مقالات علمی ایران، آدرس:  
<http://www.articles.ir/article2453.aspx>
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴)، *روابط بین‌الملل؛ نظریه‌ها و رویکردها*، تهران: انتشارات سمت.
- متقی، ابراهیم متقی (۱۳۸۴)، *بررسی سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد؛ غلبه اسطوره بر واقعیت*، در *نشریه حیات نو اقتصادی*، ۱۳۸۴/۶/۱۲.
- Kezemzadeh, Masoud (2007), Ahmadinejad's Foreign Policy, Comparative Studies of South Asia, Africa and the Middle East, Vol.27, No2/2007
- Sariolghalam, Mahmood (2001), Iranian Foreign Policy After September 11., Missile Deffenses, Proliferation of wmdin the international scenairo Proceedings of the IX Castiglioncello Conference (Italy), September 20<sup>th</sup>-23, 2001